

همگرایی برای مقابله با فقر و نابرابری آموزشی

علی ربیعی

احمد میدری

مقابله با فقر و نابرابری آموزشی يك هدف و يك وسیله است. هدف است زیرا کرونا بیشترین و عمیقترین تاثیر خود را بر نظام آموزشی به جای گذاشته و فقر و نابرابری آموزشی پس از کرونا به شدت افزایش یافته است اگر برای مقابله با آن اقدام جدی صورت نگیرد وضعیت نیروی کار و نسل آینده در ایران و جهان، بدتر از نسل کنونی است. هنوز در ایران و جهان، آموزش مهم‌ترین ابزار خروج از فقر است. شاید برای ۵ درصد ثروتمند سرمایه‌های مالی عامل تعیین‌کننده باشد اما برای مابقی جمعیت سطح آموزش عامل مهم منزلت اقتصادی و اجتماعی است. عدالت آموزشی از آرمان‌های انقلاب مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی است. نابرابری آموزشی در حال افزایش است و موجب نگرانی همگان شده است. در دنیای دیجیتال شده امروز تنها با آموزش مستمر می‌توان از فقر نیروی کار جلوگیری کرد. اما جدا از هدف بودن مقابله با فقر و نابرابری آموزشی اقدام ملی برای تحقق این هدف يك وسیله است. جامعه ایران مانند همه جوامع دارای شکاف‌های سیاسی و اجتماعی است. شاید آنچه در ایران متفاوت است متاثر از انقلاب اسلامی شکاف‌های سیاسی بیشتر رخ می‌نماید. تغییر ساختارهای سیاسی نیازمند يك دوره زمانی طولانی برای همگرایی نیروهای سیاسی است. فعال بودن شکاف‌های سیاسی در ایران به يك واقعیت مسلم و پذیرفته‌شده سیاسی تبدیل شده است. واگرایی یا حتی فعال ماندن این وضعیت پرهزینه است و موجب بی‌ثباتی‌های مختلف می‌شود. جریان‌های سیاسی با همه اختلاف‌هایشان دردها و اهداف مشترک دارند. بدون تردید همه جریان‌های سیاسی نگران فقر و نابرابری آموزشی و سایر اشکال فقر و نابرابری هستند. اقدام مشترک برای مقابله با فقر و نابرابری سازوکار مهمی برای تبدیل واگرایی‌ها به همگرایی‌هاست. در بسیاری از کشورهای جهان احزاب مخالف دفاتر مشترک بین حزبی و مطالعات مشترک دارند. توافق در عین رقابت یا اختلاف امری رایج است و ما نیز راهی به جز آن نداریم. همایش هفتم شهریور

(همایش مقابله با فقر و نابرابری آموزشی) به دنبال عدالت آموزشی به منزله يك هدف مقدس است و همچنین این هدف را وسیله‌ای برای تبدیل واگرایی‌ها به همگرایی‌های سیاسی می‌داند. بخش مهمی از نیروهای اجرایی در طیف‌های مختلف سیاسی که دیگر کار اجرایی ندارند و در دانشگاه یا نهادهای مدنی مشغول به کار هستند می‌توانند دور یکدیگر جمع شوند و برای حل مشکلات مشترک کار کنند. تبدیل امور سیاسی به امور اجتماعی در کشورهای مختلف برای تبدیل واگرایی سیاسی به همگرایی‌ها راهگشا بوده است. بزرگ‌ترین کارکرد پارادیم دولت رفاه شاید همین تغییر امور سیاسی به امور اجتماعی باشد. تا زمانی که منافع طبقه کارگر در جهان امری سیاسی بود و راه آن مبارزه طبقاتی و تسخیر طبقه حاکمه تصور می‌شد چهره نظام سرمایه‌داری هر روز خونین‌تر می‌گشت. در این میان جریانی متولد شد که تحقق منافع کارگران را نه مبارزه بلکه مصالحه طبقاتی می‌دانست...

این تغییر رویکرد اطمینان را به طبقه حاکمه برگرداند و منفذ جدیدی برای تحقق منافع نیروی کار به وجود آورد. در ایران امروز نیز مقابله با اشکال فقر را باید در ساختار سیاسی موجود جست‌وجو کرد و مصالحه نیروهای سیاسی بر سر منافع مشترک از جمله مقابله با فقر و نابرابری آموزشی امری ممکن و مطلوب است.

□□□□□□ □□□□□□ 7 □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□ 1401 □□□□□□